

سبک رفتار



گرفتار آنومی مصرف گرایی شده‌ایم

ریخت و پاش می‌کنیم و معترض هم هستیم!

■ **حامد جمالی**

اعتقادات عجیبی دارد. به قول خودش به‌روز است. همیشه جزو اولین افرادی است که تازه‌ترین مدها را می‌پوشد. بیچاره پدرش هر چه از صبح تا شب در آن مغازه الکتریکی کار می‌کند، پولش را به صابر می‌دهد. من و صابر خیلی وقت است که یکدیگر را می‌شناسیم. همین چند وقت پیش وقتی از دانشگاه برگشته بود، او را دیدم. کار به مدل مو و خط ریش و شلوار پاره پاره‌اش نداشتم، چون اتفاق تازه‌ای نبود. آنچه برایم عجیب بود، مو تورش بود! با تعجب سلام کردم. اولین چیزی که بر رسیدم این بود: «مو تورش خودت کو؟» این را دیگر از کجا آوردی؟ گفت: ۳ ماه است به پدرم فشار می‌آورم که برایم عوضش کند، گفتیم: مال خودت که خوب بود. تا جایی که یادم هست پارسال هزینه زیادی بابتش دادی. گفت: این آپاچی ۲۲۰ سی‌سیه. دو برابر قبلی. فقط پیش قسط دادم، قدرتش ۲۲ اسب بخار. خلاصه خیلی لکچری‌ه! از آنجا که می‌دانستم بحث کردن با او بی‌فایده است، فقط گفتیم: به کم به فکر پدر

و مادرش باش. تا کسی می‌خواهی دنبال تجملات باشی؟ تو مگه نمی‌خوای زن بگیری؟ با این جور زندگی کردن در آیدنت به مشکل برمی‌خوری...

■ ■ ■

■ **از ریخت و پاش تا اعتراض**

محمدجواد، پسر دایی من، ۱۰ سال است که متأهل شده و صاحب یک پسر به نام «پاشار» است و خیلی هم به پسرشان علاقه دارند. هر چه فکرش را بکنی که یک بچه دلش بخواهد را برایش فراهم کرده‌اند. مادرش می‌گوید: به خدا جایی برای لباس‌های پاشار نداریم. تا جایی که خبر دارم هر لباسش را دو، سه بار بیشتر نمی‌پوشد. اسباب‌بازی‌های گران‌قیمتش که دیگر هیچ، وقتی هم از او می‌پرسم چرا برای پاشار برادر یا خواهری به دنیا نمی‌آوری؟ سسرش را تکان می‌دهد و می‌گوید:

سبک‌نگرش

آسیب‌های تجمل‌گرایی از نگاه قرآن | آدم تجمل‌گرا آرامش ندارد

■ **حجت‌الاسلام علیرضا فرهنگ***

یکی از راه‌های کسب آرامش در زندگی دوری از تجمل‌گرایی، اسراف، ریخت و پاش، چشم و هم‌چشمی، یاد مرگ و قیامت در زندگی است. دو تفکر کلی نسبت به خدا و قیامت به عنوان مبدأ و معاد وجود دارد. تفکر مادی‌گرا و معنویت‌گرا. در تفکر مادی‌گرا افراد در عمل اعتقادی به مبدأ و معاد ندارند و آسیب‌های کسانی که اعتقاد به خدا و مذهب ندارند، نسبت به معتقدین به دین بیشتر است. علت این امر را می‌توان این‌طور بیان کرد که این افراد بیشتر احساس بی‌هویتی می‌کنند و مادیات نمی‌تواند جوابگوی همه نیازهای آنان مخصوصاً نیازهای درونی و روحی‌شان باشد. پس این قبیل افراد همیشه در پی این امر ناآرام و مضطرب هستند. این افراد خود را در چار چوب دنیا محدود می‌کنند و همیشه از همه چیز محروم می‌شوند. به ویژه از صفات اخلاقی و الهی که در انسان هست و همین باعث ناآرامی آنان در زندگی می‌شود. اینها اگر نتوانند به اهداف خود در دنیا برسند، ناآرام می‌شوند چراکه فکر می‌کنند این دنیا می‌تواند آنها را به آرزوهایشان برساند. برخی وقتی نتوانند در این دنیا به اهداف خود برسند، یا فشارهای روانی بر آنان زیاد شود، دچار جنون می‌شوند. این مسئله بیشتر برای تجمل‌گراهاست و آنان به این دلیل که یا اعتقاد به معاد ندارند یا دنیا را آخر خط می‌دانند و با آخرت و وعده‌های خداوند نتوانسته‌اند ارتباط صحیحی برقرار کنند، گاهی دست به خودکشی می‌زنند.

ما در تفکر معنویت‌گرا شاهد هستیم کسانی که بر اساس اعتقاد به خدا و معاد، زندگی را پایه‌ریزی کرده‌اند، هر چه ایمان و باورشان به معاد قوی‌تر باشد، آسیب‌های آنان در زندگی کمتر است چراکه بی‌شک آرامش انسان‌ها در پرتو ایمان به مبدأ و معاد به دست می‌آید و انسان معتقد به خدا

با این اوضاع گرانی نمی‌توانیم یک بچه دیگر به دنیا بیاوریم! الکی که نیست. خرج دارد. راست می‌گوید. اگر بخواهند به او هم مثل پاشار برسند و برایش خرج‌های آنچنانی کنند، بله، فرزند دومشان مطمئناً خیلی خرج خواهد داشت و با این منطق هر کسی نمی‌تواند بچه دوم بیاورد. همیشه برآیم سؤال بوده که چرا ما در عین اینکه ریخت و پاش و هزینه‌های کلان برای مسائل بی‌اهمیت می‌کنیم، باز هم نسبت به همه چیز معترضیم؟ هم ریخت و پاش می‌کنیم، هم معترضیم! بارها به او گفتم از مرد حسابی! اگر تو یک‌دهم هزینه‌ها و تجملاتی که برای پاشار می‌کنی را کم کنی، آن وقت می‌توانی خرج چند بچه‌را با هم بدهی. تو فکر می‌کنی به پسرش خدمت می‌کنی؟ در واقع او را طوری بار آورده‌ای که در آنگار در زندگی سختی ببیند، نتواند خودش را نجات دهد. پاشار چند سال بعد احتیاج به کس و کاری مثل برادر و خواهر دارد اما آن موقع تنها خودش هست و خودش. چه لزومی دارد برای بچه‌ای که هنوز پنج سالش نشده، گران‌ترین تیلیت را بخری؟ چرا هر بار که به بازار می‌روی، این همه لباس و... برایش می‌خرید؟

■ **قید مد و برند را بزنیم**

سبک زندگی مان عوض شده و خیلی از جوانان با وجود اینکه از سن ازدواج‌شان گذشته اما وقتی از آنها می‌پرسی که چرا ازدواج نمی‌کنی؟ یا پوزخند هزاران مشکل‌نام می‌برند! در حالی که اگر تفکرشان را عوض کنند، خیلی از این مشکلات حل می‌شود. قطعاً اگر به قناعت اعتقاد داشته باشیم، خیلی از موانع برطرف می‌شود. اگر به ساده‌زیستی معتقد باشیم، خود به خود خیلی از هزینه‌های ازدواج و زندگی کاهش می‌یابد. اگر بتوانیم از کنار تجملات، مثل پرده‌های آنچنانی، پرده‌ها را با افتخار به ساحت ایشان تقدیم می‌کردند اما ایشان طور دیگری فکر می‌کردند. هدف‌شان از زندگی را چیزی غیر از تجملات و زرق و برق دنیایی می‌دانستند. می‌خواستند روش و سبک صحیح زندگی را به ما بیاموزند. می‌خواستند به ما بفهمانند که زندگی تجملاتی و پیروی از مد گرایی، ارزشی ندارد و رضای خداوند متعال در آن نیست.

ایشان به عنوان کسی که پیامبر او را سرور زنان جهان خواندند، زندگی خودش را در مدار ساده‌زیستی و قناعت قرار داده و ارزش انسانیت را در چنین زندگی قلمداد می‌کنند. اینکه کسانی را که از روش ایشان پیروی می‌کنند، منجر می‌خوانند، نوعی تحکم و زورگویی است. چون هستند افرادی که در همین عصر شرایط ایجاد زندگی تجملاتی را دارند اما ساده‌زیستی را بر

نشده‌ایم و زندگی در دنیا با هدف است. پس باید برای ایجاد انگیزه ادامه زندگی تلاش کنیم و با توسل به خداوند متعال و کتاب خدا و همچنین دوری از تجملات، اسراف و چشم و هم‌چشمی به آرامش برسیم. انسان‌های معادگرا دنبال مال‌اندوزی و فقرفروشی نیستند و همیشه آرامش دارند و آرام‌ترند. انسان‌های معادگرا به دنبال ظلم نیستند و اگر هم در حق‌شان ظلمی شود، اگر شخصی باشد، سعی می‌کنند روحیه غفو و گذشت را بر انتقام مقدم بدارند. چون می‌دانند خدای متعال به آنان پاداش صبرشان را می‌دهد و اگر این ظلم به جامعه و مردم باشد و آنها نتوانند انتقام بگیرند، می‌دانند که خدای متعال بهترین انتقام‌گیرنده است. پس باز هم آرامش دارند.

مثال عینی آن هم آیه ۴۷ سوره انبیا است. وَ تَفْعُ به سوی ما باز نمی‌گردید؟ این یعنی ما بدون هدف آفریده



سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۸۴۷۱

نگاه



دوری از زندگی سالم با چشم و هم‌چشمی

جهیزیه من باید از اروپا آمده باشد!

■ **ماهان بادپا**

نوجوانی برای رسیدن به خواسته‌هایش از فروشگاه دایی‌اش سرقت میلیونی می‌کند و خیلی زود از سوی پلیس بازداشت می‌شود. او تنها ۱۶ سال دارد و سال دوم دبیرستان است. زمانی که مادر و پدرش برای دیدنش می‌روند، او در حالی که سرش را پایین انداخته و گریه می‌کند، می‌گوید: من نمی‌خواستم از مغازه دایی سرقت کنم اما مجبور شدم! چون بیشتر همکلاسی‌های لباس‌های مارک‌دار می‌پوشند. حتی بعضی‌ها با خودرویی که پدرشان خریداری کرده، به کلاس درس می‌آیند. زمانی که آنها را در مقابل خودم می‌دیدم، احساس حقارت می‌کردم و برای اینکه جلوی دوستانم کم نیآورم! دست به این کار زدم تا من هم با لباس‌هایم توجه آنان را به خود جلب کنم و خودم را نوجوانی خوش تیپ معرفی کنم ولی وضعیت مالی پدرم این اجازه را به من نمی‌داد. در نهایت من هم مجبور به این کار شدم.

نوع پوشش و نوع خرج کردن دوستان! این نوجوان باعث شده بود خود را خیلی کوچک و حقیر بداند و از هدف اصلی مدرسه که تحصیل علم است دور شود. اگر تجمل‌گرایی این‌قدر مورد اهمیت خانواده‌ها نبود، این وضع پیش نمی‌آمد. اگر سری به دادگاه‌های خانواده و دادسراهای عمومی بزنیم، می‌بینیم که برخی جدایی‌ها به خاطر تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی یا جرمی که به خاطر این موضوع اتفاق افتاده، است.

دورانی که در اینستاگرام می‌بینیم، همه چیز با عین واقعیت نیست. آنچه می‌بینیم،

عند کل مسجد و کلو و اشربوا و لا تسرفوا! نه لایح بالمسرفین: ای فرزندان آدم، زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد.

به توجه به آیات و روایات متوجه می‌شویم زینت و زیبایی در حد اعتدال خوب است اما بسیاری از مردم در جریان زندگی راه افراط یا همان اسراف را در پیش گرفته‌اند. یکی از موارد آثار شوم تجمل‌گرایی ترجیح دادن دنیا بر آخرت است. زندگی ما در این دنیا امتحان است و هر کدام از انسان‌ها روزی به این زندگی فانی پایان می‌دهند. اگر کسی غرق در تجمل‌گرایی شود، عاشق و شفیقه این دنیا می‌شود و فراموش می‌کند که روزی از این دنیا می‌رود. سسند این مدعا کاملاً روشن و آشکار است و آن فرستارها هستند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: کسی که به دنیا عشق و علاقه بورزد و آرزوهای طولانی برای خود بردارد، خدایقلب او را کور می‌کند، به هر اندازه‌ای که به دنیا علاقه بورزد.

شهید چمران جزو کسانی بودند که ائاله و ائالایه را چمنون را درک کردند و فهمیدند دنیا زودگذر و فانی است. آنجا که می‌گوید: «إِنَّ دُنْيَا مَادِي وَ رَاحَتِطَلْبِي كُذِّبَتْ وَ بَدِيَاي دَرْد وَ مَحْرُومِيَّت، رِنَج وَ شَكْسَت، اِتِهَام وَ قُفَر وَ تَنَهَائِي قَدَم گُذَاشْتَم، بَا مَحْرُومِيْن هَمْمَشِيْن شُدْم وَ بَا دَرْمَنْدَان وَ شَكْسَتِ دِلَان هَم اَوَاز گُشْتَم، اَز دُنْيَاي سِرْ مَایَه‌دَآرَان وَ سَتَمِگِرَان گُذِشْتَم وَ بَ عَالَم مَحْرُومِيْن وَ مَظْلُومِيْن وَآرْد شُدْم وَ بَا تَمَام اِیْن اَحْوَال مَتَأَسَف نِیَسْتَم...»

تجمل‌گرایی باعث اسراف هم می‌شود و این عمل قبیح از سوی امامان معصوم و خداوند متعال رد شده است. تجمل‌گرایی غالباً از حسادت یا چشم و هم‌چشمی نشئت می‌گیرد و برای اینکه این افراد زیاد در دید مردم باشند، از خرج‌های کلان و بیبوهه استفاده می‌کنند و باعث اسراف می‌شوند. تجمل‌گران نبودن خود نمونه‌ای از جهاد با نفس است. الحِجَّادُ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ: مجاهد کسی است که با نفس خود جهاد می‌کند. به همین خاطر است که امیر بیان، حضرت علی (ع) شجاع‌ترین مردم را افرادی می‌دانند که بر هوای نفسانی خود پیروز شوند.

روزی حضرت رسول در مجلسی نشسته بودند و اصحاب هم حاضر بودند که شخصی تهیدست با لباسان کهنه وارد جلسه شد و در جایی که خالی بود، نشست. در کنارش شخصی بود که از لحاظ مالی وضعیت خوبی داشت. زمانی که مرد فقیر نشست، آن مرد پولدار لباس‌هایش را جمع کرد و کناره‌گیری کرد. پیامبر متوجه این صحنه شدند و به آن مرد پولدار گفتند ترسیدی از فقر او به تو چیزی بپسند؟ گفت: نه یا رسول‌الله، فرمود: ترسیدی از ثروت تو چیزی به او برسد؟ گفت: نه یا رسول‌الله، فرمود: پس چرا خودت را کنار کشیدی؟ مرد ثروتمند با شرمندگی گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام و شرمسارم از این اخلاق ناپسندم و حاضر نمی‌آم مال خود را به این مرد بدهم تا مرا ببخشد. آن مرد فقیر گفت: من مال تو را نمی‌خواهم. چون می‌ترسم من هم مانند تو ثروتمند شوم و غرور مرا فراگیرد و با فقیران چنین رفتاری داشته باشم. پس با تدبیر

در این مهم درمی‌یابیم که تجمل برابر است با اسراف، تجمل‌گرایی برابری می‌کند با غرور و آدم مغرور، محصل غرور و اسراف، گناه است و فرجام آن نیز دوری از خداوند و اهل بیت (ع).

تب تجمل‌گرایی در دو دهه اخیر بالا رفته و بی‌شک این نوع سبک زندگی از محصولات سرمایه‌داری غرب است. تجمل‌گرایی به دو اقتصاد ضرر جدی وارد می‌کند: اقتصاد سالم خانواده و اقتصاد جامعه. ضرر به اقتصاد سالم خانواده باعث می‌شود کانون گرم خانواده و صفا و صمیمیت آن از بین برود و ضرر به اقتصاد جامعه نیز باعث می‌شود بحران اقتصادی در بلندمدت پیش آید. بی‌تردید تجمل‌گرایی آفت صرفه‌جویی است و کسانی که در این آفت بزرگ غرق شده‌اند، ثروت و سرمایه بلکه تولید جامعه را به تباهی می‌کشند. نقطه مقابل تجمل‌گرایی و تباهی تولیدات جامعه، اقتصاد مقاومتی است. از منظر رهبری صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن و ضایع نکردن مال است.

انسان ذاتاً حریص است و به داشته‌های خودش را به تباهی می‌کشند. نقطه مقابل تجمل‌گرایی و تباهی تولیدات جامعه، اقتصاد مقاومتی است. از منظر رهبری صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن و ضایع نکردن مال است.

انسان ذاتاً حریص است و به داشته‌های خودش را به تباهی می‌کشند. نقطه مقابل تجمل‌گرایی و تباهی تولیدات جامعه، اقتصاد مقاومتی است. از منظر رهبری صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن و ضایع نکردن مال است.

انسان ذاتاً حریص است و به داشته‌های خودش را به تباهی می‌کشند. نقطه مقابل تجمل‌گرایی و تباهی تولیدات جامعه، اقتصاد مقاومتی است. از منظر رهبری صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن و ضایع نکردن مال است.

انسان ذاتاً حریص است و به داشته‌های خودش را به تباهی می‌کشند. نقطه مقابل تجمل‌گرایی و تباهی تولیدات جامعه، اقتصاد مقاومتی است. از منظر رهبری صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن و ضایع نکردن مال است.

تجمل‌گرایی به دو اقتصاد ضرر جدی وارد می‌کند: اقتصاد سالم خانواده و اقتصاد جامعه

زندگی اشرافی ترجیح می‌دهند.

■ **تجمل‌گرایی، عامل اصلی کم‌رنگ شدن**

دورهمی‌های خانوادگی

مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی و مدگرایی مهم‌ترین عامل برای کم‌رنگ شدن و حذف دید و باز دیدها و دورهمی‌ها شده است. چون خیلی‌ها عامل اصلی قطع رابطه با اقوام‌شان را هزینه‌های زیاد می‌دانند و می‌گویند: به خانه فلاّتی نمی‌رویم، چون نمی‌توانیم او را دعوت کنیم و مثل او پذیرایی کنیم. هزینه‌هایی همچون سفره‌های رنگین، غذاهای متعدد، میوه‌های متنوع و... که همگی به خاطر خوندنایی و چشم و هم‌چشمی است از دیگر عواقب تجمل‌گرایی و تک‌فرزند ی است. امروزه خیلی از مردم معتقدند با این شرایط اقتصادی نمی‌شود فرزند زیادی داشت. پس با این توجیه به فرزند خودشان ظلم می‌کنند و او را در تنهایی قرار می‌دهند.

■ **مشکل کجاست؟**

مشکل در طرز فکر ماست. تفکرهای مسمومی که گرفتار تقلیدمان کرده‌ها و مدل برندی که به اصطلاح مد می‌شود را می‌پسندیم و به قول خودمان سخت‌پسند شده‌ایم. باید اعتراف کنیم ما امروز گرفتار آنومی اجتماعی در مدیریت و تجمل‌گرایی هستیم. از غربی‌ها در نحوه زندگی کردن الگو گرفته‌ایم اما افراط کردیم و از آنها هم جلو زدیم. حالا در اسراف کردن در جهان حرف اول را می‌زنیم.

آیا تا به حال از خود پرسیده‌اید این همه تجمل‌گرایی برای چیست؟ هر بار تولد بچه می‌شود، اندازه خرج یک ماه خانواده، چه بسا بیشتر برای او هزینه می‌کنند. این اسراف است. این تجمل‌گرایی است. این یعنی غافل شدن از خدا و ظلم کردن به خود. تنها با هدف درآوردن چشم‌فامیل! اما چگونه مسلمانی هستیم که به راحتی اسراف می‌کنیم؟ شاید هم این آیه از قرآن را نخوانده‌ایم که می‌فرمایند: ولا تسرفوا انه لا یحب المسرفین: اسراف نکنید. همانا خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد.

درد

ما در تفکر معنویت‌گرا شاهد هستیم کسانی که بر اساس اعتقاد به خدا و معاد، زندگی را پایه‌ریزی کرده‌اند، هر چه ایمان و باورشان به معاد قوی‌تر باشد، آسیب‌های آنان در زندگی کمتر است چراکه بی‌شک آرامش انسان‌ها در پرتو ایمان به مبدأ و معاد به دست می‌آید و انسان معتقد به خدا و قیامت

سوی عمل شایسته و طهارت روح رفته و نه غم و اندوهی دارد و نه ترسی از آینده زندگی و همیشه با آرامش زندگی می‌کند

الْمَوَازِیْنَ الْقُسْطَ لَیْزُومُ الْقِیَامَةِ فَلَا تَطْلُمُ نَفْسٌ شَیْئًا وَّإِنْ کَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَیْنَا بِهَا وَ کَفَىٰ بِنَا حَاسِبِیْن: ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می‌کنیم. پس به هیچ کس کمترین ستمی نمی‌شود و اگر به مقدار سنگینی یک دانه خردل (نیک و بدی) باشد، ما آن را حاضر می‌کنیم و کافی است که ما حساب‌کننده باشیم. با توجه به این آثار، آیات و روایات درمی‌یابیم که آرامش در پرتو اعتقاد به واقعیات عالم هستی و خلقت و دوری از تجمل‌گرایی و ریخت و پاش و دل‌نپسند به این دنیای فانی به دست می‌آید.

■ **امام جمعه باغبهداران**